

Ethical Conditions for the Development of Transformative Educators in the Qur'an: An Application of Aguilar's Theoretical Framework*

Maryam Nassaj¹  Mehri Sadeghiyan² 

1-Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran.

m. nassaj@cfu. ac. Ir.

2- Assistant Professor, Department of Elementary Education, Farhangian University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

mm. sadeghiyan@yahoo. com.



Abstract

In the field of applied ethics, articulating the ethical preconditions of transformative educators plays a pivotal role in promoting learners' psychological and spiritual well-being. This study aims to investigate the ethical preconditions for realizing transformative education in the Qur'an based on Aguilar's three-dimensional theoretical framework. The research employs a qualitative content analysis of Qur'anic verses and authoritative Qur'anic exegeses using an inferential interpretive approach. The findings indicate that the realization of transformative education follows a coherent and hierarchical process that requires the dynamic interaction of three ethical layers within the educator. At the foundational level (beliefs), the essential preconditions include belief

*Cite this article: Nasaj, M; Sadeghiyan, M (2026). E Ethical Preconditions for Realizing Transformative Education in the Qur'an Based on Aguilar's Theoretical Framework, *Applied Ethics Studies*, 84(2), 171-208.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.74330.2148>

□ Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy. *Type of article: Research Article

□ Received: 2025/10/31 • Revised: 2026/01/09 • Accepted: 2026/01/26 • Published online: 2026/07/01

© 2026 /Authors Retain The Copyright and full publishing rights.



in human free will and innate nature (*fiṭrah*), recognition of the intrinsic meaningfulness of educational action, and the ethical priority of self-purification (*tazkiyah*) over instruction (*ta'lim*). At the intermediate level (behaviors), these ethical preconditions are manifested through observable practices such as transparent reasoning, serving as a practical role model, engaging in consultative dialogue, and providing wise motivation. At the highest level (being), they are embodied in enduring moral qualities, including authentic and composed presence, patience, sincerity of intention, humility, and resilience in the face of challenges. The findings further demonstrate that the ethical preconditions of transformative education are not merely a collection of instructional techniques; rather, they constitute a process grounded in the educator's ethical way of being. As such, they provide a practical framework for the planning, preparation, and evaluation of the ethical competencies of educators and teachers.

Keywords

ethical preconditions; transformative education; the Qur'an; Aguilar's framework.





۱۷۳



شروط اخلاقی تحقق تربیت مربیان تحول آفرین در قرآن کریم با استفاده از چهارچوب نظری آگیلار

الشروط الأخلاقية لتحقيق تربية المربين التحويليين في القرآن الكريم في ضوء الإطار النظري لأغيلار*

مريم نساج^۱ مهري صادقيان^۲

۱- أستاذة مساعدة في تعليم المعارف الإسلامية، جامعة فرهنكيان، طهران، إيران.

m.nassaj@cfu.ac.ir

۲- أستاذة مساعدة في التعليم الابتدائي، جامعة فرهنكيان، أصفهان، إيران (الكتابة المسؤولة).

mm.sadeghiyan@yahoo.com

الملخص

في مجال الأخلاق التطبيقية، يشكّل تأطير الشروط الأخلاقية للمربين التحويليين، عنصراً جوهرياً في تعزيز الصحة النفسية والروحية للمترين. انطلاقاً من ذلك، فتهدف هذه الورقة البحثية إلى استكشاف الشروط الأخلاقية اللازمة لتحقيق التربية التحويلية في القرآن الكريم، في ضوء الإطار النظري الثلاثي الأبعاد لأغيلار، وذلك بالاعتماد على منهج تحليل المحتوى الكيفي للآيات القرآنية والتفاسير الموثوق بها، وفق المقاربة الاستنباطية. وأظهرت نتائج الدراسة أنّ تحقيق التربية التحويلية عبر عملية هرمية متماسكة، يستلزم تفاعلاً دينامياً بين ثلاث طبقات أخلاقية في شخصية المربي. ففي الطبقة الأساسية (المعتقدات)، تتمثل الشروط

***الاستناد إلى هذه المقالة:** نساج؛ مريم، صادقيان، مهري (۲۰۲۶). الشروط الأخلاقية لتحقيق التربية التحويلية في القرآن الكريم في ضوء الإطار النظري لأغيلار. *دراسات في الأخلاق التطبيقية*، ۸۴ (۲)، صص ۱۷۱-۲۰۸.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.74330.2148>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: معهد العلوم والثقافة الإسلامية.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۱۰/۳۱ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۶/۰۱/۰۹ □ تاريخ القبول: ۲۰۲۶/۰۱/۲۶ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۷/۰۱

في الإيمان باختيار الإنسان وفطرته، والإيمان بالقيمة الذاتية للفعل التربوي، وتقديم التزكية على التعليم أخلاقياً؛ أما في الطبقة الوسطى (السلوكيات)، فتتجسد الشروط الأخلاقية للمربي من خلال سلوكيات قابلة للملاحظة، مثل: الاستدلال الواضح، والقُدوة العملية، والتشاور، والتحفيز القائم على الحكمة؛ وفي الطبقة العليا (الشخصية ونمط الكينونة)، تترسخ هذه الشروط في صورة خصال راسخة وميزات مستقرة، مثل: الحضور الهادئ الأصيل، والصبر، والإخلاص، والتواضع، والقدرة على الصمود في مواجهة التحديات. وتبين أيضاً أنّ الشروط الأخلاقية للتربية التحويلية لا تقتصر على مجموعة من التقنيات التعليمية فحسب، وإنما تمثل عملية مركزة على الحياة الأخلاقية التي يحياها المربي، مما يؤهلها لتكون إطاراً تطبيقياً في مسار تخطيط برامج إعداد المربين والمعلمين، وتدريبهم، وتقويم كفاياتهم الأخلاقية.

الكلمات المفتاحية

الشروط الأخلاقية، التربية التحويلية، القرآن الكريم، إطار أغيلار.

١٧٤



مطالعات اخلاق كاريبردي، سال شانزدهم، شماره ٢، ١٤٠٥



۱۷۵



شروط اخلاقی تحقق تربیت مریبان تحول آفرین در قرآن کریم با استفاده از چهارچوب نظری آگیلار

شروط اخلاقی تحقق تربیت مریبان تحول آفرین در قرآن کریم با استفاده از چهارچوب نظری آگیلار*

مریم نساج^۱ مهری صادقیان^۲

۱- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

m.nassaj@cfu.ac.ir.

۲- استادیار معلم گروه آموزش ابتدایی، آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

mm.sadeghiyan@yahoo.com.

چکیده

در حوزه اخلاق کاربردی، صورت‌بندی شروط اخلاقی مریبان تحول آفرین نقشی کلیدی در ارتقای سلامت روان‌شناختی و معنوی متربیان دارد. این پژوهش با هدف واکاوی شروط اخلاقی تحقق تربیت تحول آفرین در قرآن کریم براساس چهارچوب نظری سه‌بعدی آگیلار انجام شده است. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر با رویکرد استنباطی است. یافته‌ها نشان داد که تحقق تربیت تحول آفرین در یک فرایند سلسله‌مراتبی و منسجم، مستلزم تعامل پویای سه لایه اخلاقی در وجود مربی است؛ در لایه بنیادین (باورها)، شروطی چون باور به اختیار و فطرت انسان، معناداری ذاتی

* **استناد به این مقاله:** نساج، مریم؛ صادقیان، مهری (۱۴۰۵). شروط اخلاقی تحقق تربیت تحول آفرین در قرآن کریم براساس چهارچوب نظری آگیلار. *مطالعات اخلاق کاربردی*، ۸۳ (۱)، صص ۱۷۱-۲۰۸.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.74330.2148>

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰



© ۲۰۲۶ «نویسندگان، دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند».

کنش تربیتی و تقدم اخلاقی تزکیه بر تعلیم قرار دارد؛ در لایه میانی (رفتارها)، مربی شروط اخلاقی خود را در قالب رفتارهای عینی مانند استدلال‌گری روشن، الگوبودگی عملی، رایزنی مشورتی و انگیزش حکیمانه متجلی می‌کند و در لایه والاتر (منش و شیوه بودن)، این شروط در قالب ویژگی‌های پایداری همچون حضور آرام و اصیل، صبر، خلوص نیت، تواضع و تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌ها تثبیت می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شروط اخلاقی تربیت تحول‌آفرین صرفاً مجموعه‌ای از تکنیک‌های آموزشی نیست؛ بلکه فرآیندی مبتنی بر زیست اخلاقی مربی است که می‌تواند به‌عنوان یک چهارچوب کاربردی در برنامه‌ریزی، آموزش و ارزیابی صلاحیت‌های اخلاقی مربیان و معلمان استفاده شود.

کلیدواژه‌ها

شروط اخلاقی، تربیت تحول‌آفرین، قرآن کریم، چهارچوب آگیلار.

۱۷۶



مقدمه

در مسیر پیچیده تعلیم و تربیت معاصر، مربی به عنوان محور اصلی فرایند یاددهی یادگیری، نقش تعیین کننده‌ای در شکل گیری هویت، باورها و ظرفیت های فراگیران ایفا می کند؛ با این حال، با وجود پیشرفت های چشمگیر در روان شناسی تربیتی و فناوری های آموزشی، بحران معنابخشی و کاهش ارتباط اصیل در روابط تربیتی به وضوح مشهود است؛ این پدیده در قالب کاهش انگیزه درونی فراگیران، ضعف در پرورش تفکر انتقادی و کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی در بستر آموزشی ظاهر می شود (Knight, 2017, pp. 15-35)؛ بنابراین، پرسش بنیادینی پیش می آید: آیا مشکل اصلی در فقدان تکنیک های آموزشی است یا در وجود نداشتن الگویی انسان محور و همه جانبه برای مربی گری که بتواند پلی میان معرفت، عمل و وجود بسازد و ارزش های اخلاقی کاربردی را در فراگیران تقویت کند؟

نظریه های نوین مربی گری، از جمله مدل مربی تحول آفرین ارائه شده توسط النا آگیلار، به جای تمرکز صرف بر مهارت های رفتاری، به کشف و تقویت لایه های عمیق تر مؤثر بر عمل مربی می پردازند. آگیلار سه لایه به هم پیوسته باور، رفتار و شیوه بودن را شناسایی کرده و استدلال می کند که تحول پایدار در فراگیران فقط زمانی ممکن است که خود مربی، باورهای رشدبخش، رفتارهای آگاهانه و یک حالت وجودی اصیل داشته باشد؛ حالتی که حتی در سکوت نیز پیام آور اعتماد، امنیت و احترام است (Aguilar, 2013, pp. 25-40). این چهارچوب در بستر فرهنگی غربی شکل گرفته است، اما به دلیل غنای مفهومی اش می تواند با سنت های تربیتی دیگر، به ویژه سنت اسلامی ارتباط داشته باشد.

قرآن کریم به عنوان متن بنیادین اندیشه اسلامی، نه تنها کتاب اعتقادی، بلکه کتاب جامع تربیت انسان است که هدف نهایی خود را تزکیه و به عبارت دیگر، تحول درونی می داند. آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا... وَيُزَكِّيهِمْ» (جمعه، ۲) نشان می دهد که رویکرد قرآن به تربیت، فرابخشی، فطرت محور و مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است. سیره





عملی پیامبران و اولیای الهی که در آیات و تفاسیر معتبر به تصویر کشیده شده‌اند، شرایط و اقتضائات بی‌بدیلی از تربیت تحول‌آفرین اخلاقی را ارائه می‌دهند؛ فعالیت آنان از باورهای توحیدی عمیق سرچشمه می‌گیرد، در رفتارهای حکیمانه و هدفمند تجلی می‌یابد و در نهایت، به یک شیوه بودن سازگار و تأثیرگذار منجر می‌شود.

شکاف پژوهشی در این حوزه واضح است. مطالعات پراکنده‌ای درباره سیره تربیتی پیامبران انجام شده است؛ اما هیچ پژوهشی به صورت نظام‌مند و با بهره‌گیری از چهارچوب نظری روزآمدی چون مدل آگیلار، به استخراج و تبیین شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین در قرآن کریم نپرداخته است. این خلأ هم از منظر نظری در غنی‌سازی ادبیات تربیت اسلامی با مفاهیم نو و هم از منظر عملی در ارائه چهارچوبی کاربردی برای پرورش مربیان اخلاق‌محور در خانواده، مدرسه و جامعه، نیازمند پاسخ‌گویی است.

پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین را با تحلیل مضامین تربیتی قرآن کریم و سیره معصومان (علیهم‌السلام) استخراج و آن را در چهارچوب سه‌سطحی آگیلار (باور، رفتار، شیوه بودن) بازسازی کرد. هدف این مطالعه، ارائه یک چهارچوب مفهومی یکپارچه برای فهم شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین است که به عنوان نقشه راهی برای انتخاب، آموزش و ارزیابی مربیان در جوامع اسلامی به‌ویژه در حوزه اخلاق کاربردی استفاده می‌شود. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل محتوای آیات مرتبط و تفاسیر معتبر بهره گرفته شد و تمرکز بر شناسایی، سازمان‌دهی و تلفیق کدگذاری سه‌گانه خواهد بود.

پیشینه تحقیق

بهروز و توسلی (۱۳۹۳) در پژوهشی درباره تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی از دیدگاه اسلام، به بررسی تفاوت مفهومی تعلیم و تزکیه، تمایز معلم و مربی در اسلام و نیز ویژگی‌های اخلاقی، علمی و حرفه‌ای مربی براساس قرآن و روایات پرداخته‌اند.



رضاداد (۱۳۹۸) با تبیین الگوی «معلم به مثابه مربی قرآن محور» نشان می‌دهد تحقق الگوی کامل مربی اسلامی در گرو توجه هم‌زمان به سه رکن معرفت، شریعت و اخلاق است؛ زیرا غفلت از هریک از این ابعاد، الگوی تربیتی را ناقص کرده و اثربخشی تربیت را کاهش می‌دهد.

رحمانی و شیخ شعاعی (۱۳۹۸) با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه ملاصدرا نشان می‌دهند که نظام تربیتی، گرایش به مربی‌محوری دارد و مربی شرط لازم تربیت نیست؛ اما در فراهم‌سازی بستر و تسهیل فرایند تربیت نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ از این رو، الگوهای تربیتی نباید صرفاً به رویکردهای مربی‌محور محدود شوند.

وحدانی و صفارحیدری (۱۳۹۳) در بررسی نقش معلم و مربی در تربیت دینی، ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری این نقش را تحلیل کرده و مهم‌ترین چالش‌های عملی در تحقق تربیت دینی را شناسایی کرده‌اند.

دانش‌مقدم و آیتی (۱۳۹۲) در پژوهشی دربارهٔ مربی‌گری به‌عنوان شیوهٔ نوین آموزشی نشان دادند که انتقال گستردهٔ دانش با روش‌های سنتی دشوار است و باید موقعیت‌هایی فراهم شود که یادگیرندگان مسئولیت یادگیری خود را بر عهده گیرند.

صادقیان، حیدری و نوروزی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «واکاوی الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن» نتیجه گرفتند که اخلاق و سلوک مربی در قرآن ماهیتی فرایندمحور دارد و در سه حوزهٔ شناختی، گرایشی و اراده و عمل تبیین می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و با رویکرد کیفی انجام شده است. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند؛ روشی نظام‌مند برای مطالعهٔ متون که امکان شناسایی الگوها و مضامین معنایی را فراهم می‌کند (Neuendorf, 2002, pp. 1-15). این روش با دسته‌بندی داده‌ها و توجه به معانی متن به کشف مفاهیم و روابط میان آن‌ها کمک کرده



(Kaplan, 1943, pp. 230-235 ; Kassarian, 1977, pp. 8-12) و امکان استخراج الگوهای مفهومی را فراهم می‌کند (Krippendorff, 1989, pp. 403-405). در این فرایند، واحد معنا شامل واژه‌ها یا جملاتی با مضمون مشترک است که مبنای کدگذاری و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد (خنifer و مسلمی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۲).

در این پژوهش، متن قرآن کریم به عنوان داده اصلی تحلیل شد و بررسی آن با کدگذاری سه مرحله‌ای و با هدایت چهارچوب نظری مربی‌گری تحول‌آفرین آگیلار انجام شد. در کدگذاری باز، آیات به واحدهای معنایی تقسیم و کدهای اولیه استخراج شدند. در کدگذاری محوری، کدها با مؤلفه‌های نظریه آگیلار مقایسه و در قالب مقولات کلی‌تر دسته‌بندی شده و در کدگذاری انتخابی، مقولات میانی در سطحی انتزاعی‌تر به مقوله‌های اصلی تبدیل و روابط میان آن‌ها تحلیل شد.

هدف این تحلیل، شناسایی شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین در قرآن است. بر این اساس، مضامین آشکار و پنهان آیات استخراج و در قالب دسته‌بندی مفهومی سازمان‌دهی شدند تا شروط تربیت تحول‌آفرین قرآنی تبیین شود. یافته‌ها در چهارچوب نظریه آگیلار و نیز در ارتباط با مفاهیم رهبری اخلاق‌محور (Harrison, Brown, Treviño, 2005, pp. 118-122) و مبانی معرفتی اسلامی (انوری، ۱۳۸۱، ص ۴۵؛ رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۸۹) تفسیر شدند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، با رجوع به آیات قرآن کریم، مفاهیم کلیدی آن‌ها در قالب کدگذاری باز آورده شد. در ادامه با توجه به سؤالات مطرح‌شده در پژوهش، کدهای محوری و انتخابی استخراج شدند و سپس تحلیل آن بیان شده است.

جدول ۱: کدگذاری باز از آیات قرآن کریم

کدگذاری باز	آیات قرآن
باور به اختیار و عاملیت فراگیرنده	﴿وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (یس، ۱۷)
باور به فطرت الهی و ظرفیت ذاتی انسان برای حقیقت‌جویی	﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ﴾ (ابراهیم، ۱۰)
باور به معناداری کنش تربیتی مستقل از نتیجه ظاهری	﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا﴾ (نوح، ۵) ﴿فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا﴾ (نوح، ۶)
باور به خلوص نیت و معاملاتی نبودن تربیت	﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ﴾ (فرقان، ۵۷)
باور به نقش آمادگی درونی در اثربخشی تربیت	﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره، ۲) ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (اسراء، ۸۲)
باور به تقدم تزکیه بر تعلیم در فرایند تربیت	﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه، ۲)
بهره‌گیری از استدلال کارساز	﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا﴾ (مریم، ۴۳-۴۴) ﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي﴾ (هود، ۸۸)
کلام قابل فهم و ابهام‌زدا	﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ (طه، ۲۷-۲۸)





کدگذاری باز	آیات قرآن
پیش قدمی مربی در عمل	﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (زمر، ۱۱-۱۲)
رایزنی مربی با فرد لایق	﴿ادْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي﴾ (طه، ۴۲)
التفات به شیوه‌های متنوع و مؤثر اطلاع‌رسانی و دعوت در فرایند تربیت متربیان	﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ أَشْرَرْتُ لَهُمْ إِشْرَارًا﴾ (نوح، ۸-۹)
بهره‌گیری سازنده از مؤرده و بیم	﴿وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾ (کهف، ۵۶)
دعوت فراگیر بدون وقفه و کوتاهی	﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا... ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ أَشْرَرْتُ لَهُمْ إِشْرَارًا﴾ (نوح، ۵-۹)
ایجاد فضای امن و جذاب	﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹)
ظرفیت بخشش در تربیت	﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ (آل عمران، ۱۵۹) ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (فصلت، ۳۴) ﴿لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ﴾ (یوسف، ۹۲)
رعایت حدود عدالت	﴿أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۴). ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا



کدگذاری باز	آیات قرآن
	يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا ﴿۸﴾ (مانده، ۸)
توجه به همسانی با فراگیران	﴿قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ (کهف، ۱۱۰) ﴿رَسُوْلًا مِّنْهُمْ﴾ (جمعه، ۲) ﴿بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ (ابراهیم، ۴)
تاب آوری در مواجهه با دشواری ها	﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه، ۲۵) ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُو الْعُرْمِ﴾ (احقاف، ۳۵) ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ﴾ (نحل، ۱۲۷)

جدول ۲: کدگذاری مفاهیم استخراج شده از آیات قرآن کریم با چهارچوب نظریه آگیلار

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
باور	باور به طبیعت و ظرفیت انسان	باور به اختیار و عاملیت فراگیرنده باور به فطرت الهی و ظرفیت ذاتی انسان برای حقیقت جویی
	باور به هدف و غایت مربی گری	باور به معناداری کنش تربیتی مستقل از نتیجه ظاهری باور به خلوص نیت و معاملاتی نبودن تربیت



کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	باور به فرایند تحول و تربیت اثرگذار	باور به نقش آمادگی درونی در اثربخشی تربیت باور به تقدم تزکیه بر تعلیم در فرایند تربیت
رفتار	مهارت‌های ارتباطی و انتقال پیام مؤثر	بهره‌گیری از استدلال کارساز کلام قابل فهم و ابهام‌زدا
	پیش‌قدمی، همراهی و راهنمایی فعال	پیش‌قدمی مربی در عمل رایزنی مربی با فرد لایق
	انگیزه‌بخشی و هدایت مستمر	التفات به شیوه‌های اطلاع‌رسانی مؤثر فراگیران بهره‌گیری سازنده از مزده و بیم دعوت فراگیر بدون وقفه و کوتاهی
شیوه بودن	منش ارتباطی مبتنی بر مهر و گذشت	ایجاد فضای امن و جذاب ظرفیت بخشش در تربیت
	منش تعاملی مبتنی بر انصاف و همدلی	رعایت حدود عدالت توجه به همسانی با فراگیران
	منش روان‌شناختی مبتنی بر استقامت	تاب‌آوری در مواجهه با دشواری‌ها

تحلیل یافته‌ها

مدل مربی تحول‌آفرین آگیلار سه بُعد اساسی دارد که در کنار یکدیگر، چهارچوب کامل اخلاق مربی اثربخش را شکل می‌دهند؛ باین‌حال، در پرتو تحلیل قرآن کریم روشن می‌شود که این سه بُعد بیشتر از آنکه الگوی هنجاری رفتاری باشند، شروط تحقق تربیت



تحول آفرین را نشان می‌دهند؛ یعنی نشان می‌دهند تربیت تحول آفرین در چه بسترهای ذهنی، رفتاری و وجودی ممکن می‌شود. باور به عنوان عمیق‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین لایه اخلاق مربی‌گری شناخته می‌شود؛ لایه‌ای که پیش از هر رفتار و روشی، نگرش مربی به انسان، یادگیری، تغییر و نقش خویش را سامان می‌دهد. آگیلار تصریح می‌کند که مربی‌گری تحول آفرین از مهارت آغاز نمی‌شود؛ بلکه تصمیمات مربی را هدایت می‌کند. آگیلار تصریح می‌کند که مربی‌گری تحول آفرین صرفاً از مهارت‌های تکنیکی آغاز نمی‌شود؛ بلکه از منظومه باورها و نگرش‌های مربی سرچشمه می‌گیرد؛ باورهایی که در نهایت، فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب‌های مربی را در مواجهه با فراگیر هدایت می‌کنند (Aguilar, 2013, pp. 25-40). تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر نشان می‌دهد که مربیان الهی نیز از چنین منظومه‌ای از باورهای بنیادین برخوردار بوده‌اند. در این پژوهش، این باورهای اخلاقی کلیدی، در واقع زمینه‌ها و شروط بنیادین تربیت تحول آفرین را تشکیل می‌دهند و در قالب سه مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون پایه زیر تحلیل شده‌اند.

۱. باور به طبیعت و ظرفیت انسان

۱.۱. باور به اختیار و عاملیت فراگیرنده

از شروط اساسی تربیت قرآنی، ایمان به اختیار انسان و نفی هرگونه اجبار در فرایند تربیت است و قرآن مأموریت پیامبران را صرفاً «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (یس، ۱۷) معرفی کرده است، به این معنا که مربی الهی، مسئول ایمان‌آوری مخاطب نیست؛ بلکه وظیفه او روشنگری و ارائه پیام است تا انسان‌ها با اختیار خود مسیر هدایت را برگزینند. این اصل، ریشه در احترام به کرامت انسانی دارد و مانع اعمال فشار یا سلطه در تربیت می‌شود؛ زیرا تحمیل ایمان با فلسفه هدایت الهی ناسازگار است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۶۴). به بیان دیگر، فقط در بستر اختیار و انتخاب آگاهانه است که تغییر درونی و پایدار رخ می‌دهد (قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۲۹۶۰).



این باور در نظریه آگیلار نیز جایگاهی محوری دارد. به باور او، تغییر واقعی زمانی ممکن می‌شود که فرد با اراده خود مسیر تحول را انتخاب کرده و مربی صرفاً نقش تسهیل گر را ایفا کند (Aguilar, 2018, pp. 60-85). این نگرش اخلاقی، شرط لازم برای اجتناب از روش‌های تحمیلی و ایجاد محیطی حمایت کننده برای خودانگیزی فراگیرنده است.

۲.۱. باور به فطرت الهی و ظرفیت ذاتی انسان برای حقیقت‌جویی

آگیلار در چهارچوب سه‌لایه‌ای خود بر این نکته تأکید می‌کند که تحول پایدار در متربیان زمانی رخ می‌دهد که مربی در ساحت باورها، رفتارها و شیوه بودن دچار دگرگونی اصیل شود. از نگاه او، مربی تحول‌آفرین کسی است که به ظرفیت‌های درونی و امکان رشد مربی باور دارد، این باور را در رفتارهای آگاهانه و حمایت‌گرانه متجلی کرده و در سطح وجودی نیز فضایی از اعتماد، امنیت و احترام ایجاد می‌کند؛ فضایی که حتی در سکوت نیز درک می‌شود (Aguilar, 2013, pp. 25-40).

این تأکید بر ظرفیت درونی انسان با مبنای قرآنی ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس، ۷-۸) هم‌خوان است؛ زیرا براساس این آیه، خداوند پس از آفرینش متعادل نفس انسانی، گرایش و آگاهی به فجور و تقوا را در سرشت او الهام کرده است.

مفسران نیز این آیه را ناظر به وجود نوعی هدایت فطری در انسان دانسته‌اند که زمینه تشخیص مسیر خیر و شر را در درون او فراهم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۴۷-۴۹؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۸).

براین اساس، تربیت در نگرش دینی بیش از آنکه به معنای تحمیل ارزش‌ها از بیرون باشد، فرایندی برای بیدارسازی و جهت‌دهی به این ظرفیت‌های فطری است؛ امری که با نگاه آگیلار به نقش مربی به‌عنوان تسهیل‌گر تحول درونی هم‌راستا است.



۲. باور به هدف و غایت مربی‌گری

۲.۱. باور به معناداری‌کنش تربیتی مستقل از نتیجه‌ظاهری

یکی از باورهای بنیادین اخلاقی مربی قرآنی، التزام به انجام وظیفه تربیتی و گره‌زدن ارزش‌کنش تربیتی به نتیجه‌ظاهری آن است. این معنا به صراحت در آیه **﴿فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾** (رعد، ۴۰) بیان شده است؛ آیه‌ای که مسئولیت پیامبر را در حد ابلاغ رسالت محدود می‌داند و حسابرسی و نتیجه‌نهایی را به خداوند واگذار می‌کند. مفسران نیز بر همین تفکیک تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که آمده است پیامبر مأمور به ابلاغ است، نه تضمین پذیرش مردم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۶۴) و در جای دیگر نیز تصریح شده که وظیفه انبیا، رساندن پیام است و پاداش و کیفر و نتیجه در اختیار خداوند قرار دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۲۱).

همچنین علامه طباطبایی، با تحلیل تقابل بلاغ و حساب، مسئولیت پیامبر را در چهارچوب انجام مأموریت الهی و نه تحصیل نتیجه تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۴۹۴). بر این اساس، مربی قرآنی نیز ارزش‌کنش تربیتی را در ادای تکلیف می‌بیند، نه در واکنش فوری مخاطب؛ باوری که تاب‌آوری، صبر و استقامت او را در مسیر بلندمدت تربیت تضمین می‌کند. این نگرش با دیدگاه آگیلار درباره‌ی تمرکز مربی تحول‌آفرین بر فرایند رشد و تغییر درونی، نه کنترل نتایج بیرونی هم‌سو است (Aguilar, 2018, pp. 60–85).

۲.۲. باور به خلوص نیت و معاملاتی‌نبودن تربیت

یکی دیگر از باورهای محوری اخلاقی مربی قرآنی، خلوص نیت و پرهیز از انگیزه‌های مادی است. تأکید مکرر پیامبران بر **﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ﴾** (فرقان، ۵۷) نشان می‌دهد که هدف آنان هدایت و سعادت انسان‌هاست و هیچ‌گونه توقع دنیوی یا منفعت شخصی از رسالت خود ندارند. این بی‌چشمداشتی، نشانه‌ی صدق دعوت و سلامت نیت است و زیربنای



اعتبار اخلاقی مربی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۳۴). همچنین این باور، اعتماد مخاطبان را افزایش داده و پذیرش تربیتی را تسهیل می‌کند؛ زیرا مربیان، حضور مربی را نه ابزاری برای تحقق اهداف شخصی، بلکه خدمتی صادقانه در مسیر رشد خود تجربه می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۲۸).

از منظر آگیلار، مربی‌گری تحول‌آفرین فرایندی غیرمعاملاتی است که بر ایجاد تغییرات پایدار و عمیق در باورها، رفتارها و شیوه بودن افراد تمرکز دارد، نه بر تبادل منفعت یا دستاوردهای کوتاه‌مدت و بیرونی (Aguilar, 2013, pp. 25-40). براین اساس، مربی تحول‌آفرین نمی‌تواند با اهداف ابزاری یا سودمحور به میدان تربیت وارد شود؛ زیرا تحول اصیل زمانی رخ می‌دهد که گنش مربی ریشه در تعهد اخلاقی و تمرکز بر رشد درونی مربی داشته باشد. چنین باوری، مربی را از رفتارهای رقابتی و منفعت‌جویانه دور کرده و توجه او را بر کیفیت فرایند تربیت و تعالی انسانی معطوف می‌کند.

۳. باور به فرایند تحول و تربیت اثرگذار

۳.۱. باور به نقش آمادگی درونی در اثربخشی تربیت

مربیان الهی به این باور اخلاقی عمیق دست یافته بودند که اثربخشی تربیت، منوط به وجود آمادگی درونی در فراگیرنده است. معرفی قرآن به عنوان ﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره، ۲) نشان می‌دهد حقیقت هدایت یکسان است؛ اما ظرفیت پذیرش در مخاطبان متفاوت است. همچنین، تأثیر شفاعت قرآن برای مؤمنان و افزایش خسران برای ظالمان ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (اسراء، ۸۲) گویای آن است که اثر پیام، تابع وضعیت درونی مخاطب است، نه نقص در محتوای آن (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۵).

این باور اخلاقی، مربی قرآنی را از سرزنش خود یا مخاطب بازداشته و صبر او را تقویت می‌کند. از منظر آگیلار، مربی تحول‌آفرین معتقد است یادگیرندگان در سطوح



مختلف آمادگی برای تغییر قرار دارند و نقش مربی، تشخیص این سطح و ایجاد زمینه مناسب برای رشد درونی است (Aguilar, 2013, pp. 25-40). این باور اخلاقی، پایه تصمیم گیری مربی در انتخاب روش ها و تعامل با فراگیرنده است و نشان می دهد تحول پایدار فقط با توجه به ظرفیت روانی افراد محقق می شود.

۳.۲. باور به تقدم تزکیه بر تعلیم در فرایند تربیت

مضمون اساسی دیگر، ایمان به تقدم تزکیه بر آموزش صرف است. مأموریت پیامبر اسلام **﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾** (جمعه، ۲) توصیف شده که نشان می دهد پالایش درونی و اصلاح اخلاقی، مقدم بر انتقال علم است. بدون تزکیه، علم نه تنها موجب رشد نمی شود، بلکه می تواند به انحراف بینجامد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۶۰۵-۶۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۲۶۴).

این نگرش، تربیت را فرایندی می داند که در آن ذهن، قلب و رفتار هم زمان رشد می کنند. از دیدگاه آگیلار نیز، تحول پایدار فقط زمانی رخ می دهد که باورها و نگرش های درونی فرد اصلاح شود؛ زیرا رفتار بیرونی بدون اصلاح درونی، سطحی و ناپایدار است (Aguilar, 2018, pp. 60-85). این باور اخلاقی، مربی را ملزم می کند تا محیطی فراهم آورد که فراگیرنده نه تنها اطلاعات دریافت کند، بلکه به خود آگاهی و تقویت فضایل اخلاقی نیز دست یابد.

در نظریه مربی گری تحول آفرین آگیلار، رفتار به عنوان لایه مشاهده شدنی مربی گری شناخته می شود که شامل گفتارها، کنش ها و الگوهای تعاملی مربی است و بر فضای یادگیری و فرایند تغییر مراجع تأثیر می گذارد. آگیلار تأکید می کند رفتار مربی بازتابی از باورها و حالات درونی اوست و بدون هماهنگی با لایه های عمیق تر، ناپایدار و کم اثر است. رفتارهای مربی تحول آفرین آگاهانه، هدفمند و منعطف است و با ایجاد اعتماد، تسهیل تفکر و تشویق اقدام، بستر رشد خودراهبری مراجع را فراهم می کند (Aguilar, 2018, pp. 60-85).



مربیان الهی در قرآن و سیره معصومان، رفتارهای اخلاقی هدفمند و معناداری داشته‌اند که ریشه در باورهای توحیدی دارد و الگویی برای تعامل اثرگذار ارائه می‌دهد. این الگوها با مؤلفه رفتار در نظریه آگیلار تطابق ساختاری دارد و می‌تواند در ترسیم الگوی عملی اخلاق مربی قرآنی استفاده شود. یافته‌های پژوهش، رفتارهای اخلاقی کلیدی مربی تحول‌آفرین را در قالب سه مضمون سازمان‌دهنده و هفت مضمون پایه زیر تحلیل و تبیین نموده است.

۱. مهارت‌های ارتباطی و انتقال پیام مؤثر

۱.۱. بهره‌گیری از استدلال کارساز

مربی تحول‌آفرین همانند پیامبران، از استدلال روشن و حساب‌شده برای هدایت فراگیران استفاده می‌کند. حضرت ابراهیم علیه السلام به پدرش می‌گوید که راه صحیح را می‌داند و او را به پیروی از آن دعوت می‌کند تا از خط شیطان گمراه‌کننده نجات یابد که قرآن در این راستا می‌فرماید: ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا * يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا﴾ (مریم، ۴۳-۴۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۷۵؛ سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۴۹۳). در جای دیگر، حضرت شعیب علیه السلام نیز با بیان دلیل روشن بر صدق ادعای نبوت خود، قومش را به مسیر حق رهنمود می‌کرد که قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَيَّ بَيْنَةً مِنْ رَبِّي﴾ (هود، ۸۸) (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۴۹؛ سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۳، ص ۹۵۷). این شواهد نشان می‌دهد که مربی باید با بهره‌گیری از دانش، منطق و استدلال دقیق، انتخاب راه درست را برای متربیان تسهیل کند.

اخلاق مربی تحول‌آفرین در این رویکرد، صبر، دانش و توانایی تحلیل موقعیت‌ها را می‌طلبد تا آموزش صرفاً در حد شعار باقی نماند و به تغییر واقعی بینجامد. ارائه



استدلال‌های مؤثر، اعتماد و اعتبار مربی را افزایش داده و مسیر رشد اخلاقی و فکری متربیان را تقویت می‌کند.

مربی باید با پشتکار، حتی در مواجهه با مقاومت، استدلال‌های سنجیده ارائه دهد تا متربیان را توانمند کرده، فرهنگ تفکر انتقادی را در آنان تقویت کند و زمینه تصمیم‌گیری آگاهانه را فراهم آورد. در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز بر نقش گفت‌وگوی تأملی و طرح پرسش‌های اندیشمندانه برای تعمیق فهم و ایجاد تغییرات پایدار در نگرش و رفتار تأکید شده است (Aguilar & Cohen, 2021, pp. 45–58).

۱. ۲. کلام قابل‌فهم و ابهام‌زدا

مربی تحول‌آفرین باید سخن خود را به گونه‌ای بیان کند که متربیان به‌طور دقیق و بی‌واسطه مقصود او را دریابند. قرآن کریم درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ (طه، ۲۷–۲۸) (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۵۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۸۷).

این درخواست نشان می‌دهد که وضوح بیان، شرط فهم عمیق پیام و تحقق اثر تربیتی است. همچنین پیامبران الهی از به‌کارگیری کلام مبهم یا دوپهلوی پرهیز می‌کردند تا زمینه سوءبرداشت فراهم نشود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۶۱۰). بر این اساس، کلام قابل‌فهم و ابهام‌زدا یکی از شروط تحقق تربیت مؤثر است؛ زیرا شفافیت در بیان، مسیر هدایت را روشن و امکان درونی‌سازی پیام را تقویت می‌کند. در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز بر اهمیت وضوح در ارتباط تأکید شده است؛ چنان‌که آگیلار بیان می‌کند کیفیت حضور و نحوه برقراری ارتباط مربی، در شکل‌گیری فهم مشترک و ایجاد یادگیری عمیق نقشی تعیین‌کننده دارد و هرگونه ابهام یا ناهماهنگی در پیام ممکن است از اثرگذاری تحول‌آفرین بکاهد (Aguilar, 2013, pp. 25–40).



از این رو، مربی تحول آفرین با بهره گیری از زبانی روشن، سنجیده و متناسب با سطح ادراک متربیان، نه تنها انتقال مفاهیم را تسهیل می کند، بلکه اعتماد، همدلی و زمینه تغییر پایدار در نگرش و رفتار آنان را نیز تقویت می نماید.

۲. پیش قدمی، همراهی و راهنمایی فعال

۲.۱. پیش قدمی مربی در عمل

مربی تحول آفرین باید همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خود پیش قدم در عمل به ارزش ها و اصول تربیتی باشد؛ چنان که قرآن می فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (زمر، ۱۱-۱۲) (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۴۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، صص ۴۰۴-۴۰۵). این آیه نشان می دهد که پیش قدمی در عمل، یکی از اصول اساسی هدایت و تربیت است؛ زیرا زمانی که مربی خود پیش از دیگران به ارزش ها پایبند باشد، گفتار او برای فراگیران باورپذیرتر و اثرگذارتر خواهد بود.

در چنین وضعیتی، مربی به عنوان نمونه عملی و الگوی رفتاری برای فراگیران شناخته شده و زمینه الگوگیری واقعی فراهم می شود. عمل مربی به اصولی که آموزش می دهد، اعتماد و احترام فراگیران را افزایش داده و اثربخشی فرایند تربیت را تقویت می کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، صص ۳۷۶-۳۷۷).

این هم سویی میان گفتار و کردار، موجب می شود پیام های اخلاقی با قدرت بیشتری در ذهن و رفتار فراگیران تثبیت شود؛ زیرا آنان علاوه بر شنیدن مفاهیم، تحقق عینی آن را در رفتار مربی مشاهده می کنند.

در ادبیات مربی گری تحول آفرین نیز بر این اصل تأکید شده است که مربی باید ارزش ها و باورهای را که ترویج می کند در رفتار خود متجلی کند؛ زیرا کیفیت حضور و عمل مربی نقش مهمی در ایجاد اعتماد، انگیزش و تغییر پایدار در یادگیرندگان دارد (Aguilar, 2013, pp. 25-40).



از این رو، پیش قدمی مربی در عمل نه تنها نشانه تعهد و صداقت اوست، بلکه با ایجاد الگوی عملی، زمینه شکل گیری فرهنگ مسئولیت پذیری و تحول پایدار در میان فراگیران را فراهم می کند.

۲.۲. رایزنی مربی با فرد لایق

مربی تحول آفرین باید از همراهان شایسته و قابل اعتماد بهره گیرد تا مسیر تربیتی خود را هموارتر و اثربخش تر کند. حضرت موسی علیه السلام هارون را به عنوان معاون و یاور خود برگزید تا در انجام رسالت الهی، همراهی شایسته ای داشته باشد؛ چنان که قرآن می فرماید: ﴿اِذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي﴾ (طه، ۴۲) (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۵۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، صص ۲۰۳-۲۱۲). این همراهی نشان می دهد که انتخاب فرد لایق، نه تنها پشتوانه ای عملی برای مربی است، بلکه در تحقق بهتر هدف های تربیتی نیز نقش اساسی دارد.

انتخاب فرد توانمند و قابل اعتماد، کارآمدی در ارائه آموزش و هدایت فراگیران را افزایش داده و موانع احتمالی را کاهش می دهد. همراهی فردی شایسته با مربی، امکان دریافت بازخورد دقیق، هم فکری و مشورت عمیق تر را فراهم کرده و کیفیت برنامه های تربیتی را بهبود می دهد. مربی تحول آفرین با توجه به صلاحیت، تعهد و توانمندی همراهان، مسیر تربیت را به شکل سیستماتیک، مشارکتی و هدفمند دنبال می کند و از ظرفیت های انسانی برای افزایش اثرگذاری اخلاقی و تربیتی بهره می گیرد.

در ادبیات مربی گری تحول آفرین نیز بر اهمیت همکاری و رایزنی با همکاران حرفه ای و دغدغه مند تأکید شده است؛ به گونه ای که مربی، فرایند یاددهی یادگیری را نه یک تلاش فردی، بلکه یک کار جمعی می بیند و از گفت و گوی حرفه ای، بازخوردسازی و هم فکری منظم به عنوان راهبردی برای ارتقای عمل تربیتی خود استفاده می کند (Aguilar, 2013, pp. 25-40).



چنین رویکردی، الگوی مشارکت و کار گروهی را برای فراگیران به نمایش می‌گذارد، هماهنگی در گروه آموزشی را تقویت می‌کند و به نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری و تعهد به ارزش‌های اخلاقی در سطح جمعی منجر می‌شود. بدین ترتیب، ریزنی و همکاری با افراد شایسته، یکی از شاخص‌های اخلاقی و حرفه‌ای مربی تحول‌آفرین در مدیریت فرایند تربیت به شمار می‌آید.

۳. انگیزه‌بخشی و هدایت مستمر

۳.۱. التفات به شیوه‌های متنوع و مؤثر اطلاع‌رسانی و دعوت در فرایند تربیت متریان
مربی تحول‌آفرین باید با در نظر گرفتن شرایط زمان، مکان و ویژگی‌های فردی متریان، شیوه‌های مناسب و مؤثر برای اطلاع‌رسانی و هدایت تربیتی را انتخاب کند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۶، ص ۵۴۵؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص ۴۴).

قرآن کریم در بیان روش دعوت حضرت نوح علیه السلام نشان می‌دهد که ایشان برای تأثیرگذاری بیشتر، از شیوه‌های گوناگون بهره می‌گرفت: «ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا * ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (نوح، ۸-۹). این آیات بیان‌کننده آن است که تنوع در روش‌های دعوت و اطلاع‌رسانی می‌تواند زمینه فهم بهتر پیام و پذیرش آن را فراهم سازد.

مربی تحول‌آفرین با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع ارتباطی و آموزشی، تلاش می‌کند پیام تربیتی را متناسب با شرایط مخاطبان منتقل کند.

چنین رویکردی موجب افزایش تعامل و مشارکت فعال متریان در فرایند تربیت می‌شود و احتمال مقاومت یا سوءبرداشت را کاهش می‌دهد. تنوع در روش‌های اطلاع‌رسانی همچنین به پویایی فرایند تربیت کمک کرده و امکان سازگاری آن با شرایط محیطی و روانی متریان را فراهم می‌کند.



در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز تأکید می‌شود که مربی برای اثرگذاری بیشتر باید از راهبردهای متنوع ارتباطی، گفت‌وگوهای هدفمند و شیوه‌های مختلف تعامل با یادگیرندگان بهره‌گیرد تا پیام آموزشی به شکل عمیق‌تر فهم و درونی شود (Aguilar, 2013, pp. 25-40).

ازاین‌رو، توجه به تنوع و تناسب در شیوه‌های اطلاع‌رسانی و دعوت، یکی از مهارت‌های مهم مربی تحول‌آفرین در هدایت مستمر مربیان و تحقق اهداف تربیتی و اخلاقی به شمار می‌آید.

۳.۲. بهره‌گیری سازنده از مژده و بیم

مربی تحول‌آفرین با بهره‌گیری از مژده برای تقویت انگیزه و از بیم برای هشدار و بازدارندگی، فراگیران را به مسیر درست هدایت می‌کند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۹۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۰۸). در شیوه دعوت پیامبران نیز این اصل به روشنی دیده می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا نُزِيلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ﴾ (کهف، ۵۶). این آیه نشان می‌دهد که ایجاد تعادل میان امید و هشدار، از مهم‌ترین روش‌های هدایت و تربیت انسان‌هاست.

بر این اساس، مربی تحول‌آفرین با بهره‌گیری سنجیده از تشویق و هشدار، به ابعاد روانی و اخلاقی فرایند تربیت توجه می‌کند و زمینه درک عمیق‌تر پیام‌های تربیتی را فراهم می‌آورد. استفاده هم‌زمان از مژده و بیم موجب می‌شود فراگیران پیام‌های اخلاقی را صرفاً در حد مفاهیم نظری درک نکنند؛ بلکه نتایج عملی و تأثیر آن را در زندگی خود احساس نمایند. چنین رویکردی انگیزه یادگیری را افزایش داده، حس مسئولیت‌پذیری را تقویت کرده و مسیر حرکت به‌سوی رفتارهای مطلوب را روشن‌تر می‌کند.

در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز بر اهمیت ایجاد تعادل میان حمایت، تشویق و بازخورد اصلاحی تأکید شده است؛ به‌گونه‌ای که مربی با تقویت امید و در عین حال ارائه



هشدارهای سازنده، به رشد آگاهی و تغییر پایدار در رفتار یادگیرندگان کمک می‌کند (Aguilar, 2018, pp. 60–85). از این رو، بهره‌گیری سنجیده از مزده و بیم را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم اخلاق حرفه‌ای مربی تحول‌آفرین در هدایت مؤثر و پایدار فراگیران دانست.

۳.۳. دعوت فراگیر بدون وقفه و کوتاهی

مربی تحول‌آفرین همانند حضرت نوح علیه السلام، در مسیر تربیت فراگیران با صبر، پشتکار و تداوم عمل می‌کند، حتی زمانی که میزان پذیرش مخاطبان اندک باشد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا... ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهْرًا * ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾ (نوح، ۵–۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، صص ۶۵–۶۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۲۳۳). این آیات بیان‌کننده آن است که استمرار در دعوت، نشانه تعهد عمیق و پایبندی واقعی به مسئولیت تربیتی است.

پشتکار مربی، اعتماد و اعتبار او را نزد فراگیران افزایش داده و نشان می‌دهد که تربیت فقط یک اقدام مقطعی نیست، بلکه فرایندی تدریجی و پیوسته است. این نوع دعوت مداوم، مستلزم برنامه‌ریزی هوشمندانه، انعطاف در روش‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های متنوع آموزشی است تا پیام تربیتی به‌طور مؤثر منتقل شود (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۳۴۶).

استمرار در دعوت همچنین سبب می‌شود فراگیران فرصت کافی برای درونی‌سازی ارزش‌ها، بازنگری رفتارهای خود و حرکت به‌سوی رشد تدریجی داشته باشند. در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز بر اهمیت حضور مستمر، پیگیری مداوم و حمایت پایدار مربی تأکید شده است؛ زیرا تغییر واقعی در یادگیرندگان در نتیجه رابطه‌ای شکل می‌گیرد که در آن مربی پیوسته در کنار آنان است، روند پیشرفت آن‌ها را دنبال کرده و از طریق بازخورد، تشویق و گفت‌وگو به رشد آنان کمک می‌کند. چنین تداومی،



یکی از ویژگی‌های اصلی «کیفیت حضور مربی» است که آگیلار آن را شرط کلیدی موفقیت فرایند مربی‌گری و ایجاد تغییر پایدار می‌داند (Aguilar, 2013, pp. 25-40). از این رو، دعوت بدون وقفه و کوتاهی، شاخصی اساسی از اخلاق مربی تحول آفرین به شمار می‌آید؛ شاخصی که موجب شکل‌گیری فرهنگ پایدار اخلاقی، تقویت مسئولیت‌پذیری و هدایت مستمر فراگیران به سوی انتخاب مسیر درست می‌شود و تضمین می‌کند که هیچ فراگیری بدون فرصت رشد و هدایت رها نشود.

در ادامه، براساس نظریه مربی‌گری تحول آفرین آگیلار، شیوه بودن به عنوان لایه‌ای متمایز و عمیق‌تر از باورها، کیفیت حضور، وضعیت درونی و چگونگی ابراز وجود مربی در لحظه تعریف می‌شود. این لایه، برخلاف باورها که عمدتاً شناختی و ادراکی هستند، بیشتر هستی‌شناختی و هیجانی است و نحوه تجربه و نمود عملی آن باورها در جریان تعامل را شکل می‌دهد (Aguilar, 2013, pp. 25-40).

آگیلار تأکید می‌کند که شیوه بودن، چگونگی ظهور و بروز درونیات مربی در فضای رابطه است و بدون پرداختن به این لایه، حتی باورهای مرقی نیز ممکن است به صورتی ناهماهنگ، خشک یا غیرقابل اعتماد بروز یابند و از اثرگذاری تحول آفرین بازمانند (Aguilar, 2018, pp. 60-85). تحلیل محتوای آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که اخلاق مربیان الهی، علاوه بر برخورداری از باورهای عمیق توحیدی، از حالت وجودی و منش گونه ویژه‌ای برخوردار بودند که در همه تعاملاتشان جاری بود. این حالت‌های وجودی، زمینه‌ساز پذیرش و تأثیرپذیری عمیق متربیان می‌شد. این الگوی وجودی، در تطابق با مؤلفه شیوه بودن در نظریه آگیلار به عنوان بستر و کیفیت ارتباطی متمایز از محتوای باورها قرار دارد و می‌تواند در ترسیم الگوی اخلاق کاربردی مربی قرآنی، به عنوان حامل مؤثر پیام تربیتی، استفاده شود. یافته‌های پژوهش، مؤلفه شیوه بودن اخلاق مربی تحول آفرین را در قالب سه مضمون سازمان‌دهنده و پنج مضمون پایه زیر تحلیل و اشاره کرده‌اند.



۱. منش ارتباطی مبتنی بر مهر و گذشت

۱.۱. ایجاد فضای امن و جذاب

نخستین منش ارتباطی مبتنی بر مهر و گذشت، داشتن خلقی نرم و دلی سرشار از مهر است. قرآن کریم این منش پیامبر ﷺ را موهبتی الهی برمی‌شمارد که اساس جذب مردم بود: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹). در تفسیر این آیه آمده است که نرم‌خویی و پرهیز از خشونت، از مهم‌ترین آداب دعوت و تربیت است و مربی با رفتار ملایم می‌تواند زمینه پذیرش پیام را در مخاطبان فراهم کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، صص ۸۳-۸۶). این آیه نشان می‌دهد که اگر پیامبر درشت‌خو و سنگ‌دل بود، دل‌ها و اندیشه‌ها به‌سوی او گرد نمی‌آمد؛ زیرا انسان‌ها برای پذیرش هدایت به محیطی امن و مهربان نیاز دارند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۷۵۱). از این رو، نرمش با مردم موهبتی الهی است و افراد خشن و سخت‌گیر نمی‌توانند در هدایت و رهبری انسان‌ها موفق باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۶۳۶-۶۳۷).

این نرمش قلبی به‌عنوان صفتی اخلاقی و پایدار، پیش‌نیاز هرگونه تأثیرگذاری کلامی و رفتاری به شمار می‌رود و فضای ترس و گریز را به فضایی امن و جذاب تبدیل می‌کند. در ادبیات مربی‌گری تحول‌آفرین نیز ایجاد چنین فضای امنی از ارکان اساسی ارتباط مؤثر میان مربی و متربی دانسته شده است؛ به‌گونه‌ای که مربی با همدلی، احترام و توجه واقعی به نیازهای مخاطبان، بستری امن برای یادگیری و رشد فراهم می‌کند. آگیلار نیز بر اهمیت شکل‌گیری اعتماد و امنیت روانی در رابطه مربی‌گری تأکید می‌کند و معتقد است که فقط در فضایی مبتنی بر اعتماد، احترام و حمایت عاطفی است که یادگیرندگان می‌توانند آزادانه اندیشه‌های خود را بیان کنند و مسیر رشد و تحول را بیمایند (Aguilar, 2013, pp. 25-40).

۲.۱. ظرفیت بخشش در تربیت

دومین منش ارتباطی مبتنی بر مهر و گذشت، توانایی گذشت بی‌منت و پاسخ‌دادن به بدی با نیکی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ (آل عمران،



۱۵۹). در تفسیر این آیه آمده است که خداوند، رسول خود را مأمور کرد تا از خطاکاران پشیمان درگذرد و برای آنان طلب آمرزش کند تا آثار گناه از اعمالشان زدوده شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۸۷).

چنین رویکردی بیان کننده آن است که در فرایند تربیت، انسان‌ها به بردباری و سعه صدری نیاز دارند که نادانی و کاستی‌های آنان را تحمل کند و با شتاب و سخت‌گیری پاسخ ندهد؛ چنان که دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرشار از چنین حلم و بردباری بود (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۷۵۱). از این رو، باید خطاکار پشیمان پذیرفته شود و با رویکردی جذب کننده به مسیر رشد بازگردانده شود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۳۷).

همچنین قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (فصلت، ۳۴). در تفسیر این آیه آمده است که شایسته دعوت کننده به سوی خدا نیست که بدی را با بدی پاسخ دهد؛ زیرا تأثیر نیکی و بدی یکسان نیست و صبر، گذشت و بزرگواری می‌تواند دل‌های سرکش را به صلح و آرامش بازگرداند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۶۱۰). جلوه‌ای روشن از این منش در رفتار حضرت یوسف علیه السلام مشاهده می‌شود که پس از آشکارشدن حقیقت، به برادران خود فرمود: ﴿لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ﴾ (یوسف، ۹۲). در تفسیر این آیه آمده است که یوسف علیه السلام نه تنها آنان را سرزنش نکرد، بلکه برایشان طلب آمرزش کرده و آنان را به رحمت الهی امیدوار کرد که نشانه اوج بزرگواری و گذشت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۶۴). همچنین تأکید شده است که هنگامی که خطاکار به اشتباه خود اعتراف کند، باید با گذشتی سریع و آشکار از خجل‌سازی او پرهیز کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۷۷).

از این منظر، ظرفیت بخشش یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مربی تحول آفرین به شمار می‌آید؛ زیرا گذشت آگاهانه می‌تواند فضای اعتماد، امنیت و امید را در فرایند تربیت تقویت کند. در ادبیات مربی‌گری تحول آفرین نیز بر نقش همدلی، احترام و رویکرد غیرقضاوتی در تعامل با یادگیرندگان تأکید شده است. آگیلار بیان می‌کند که مربی مؤثر با



پرهیز از سرزنش و تمرکز بر رشد فردی، به ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و یادگیری کمک می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن خطاها به فرصتی برای تأمل، یادگیری و تغییر تبدیل می‌شوند (Aguilar, 2018, pp. 60-85).

از این رو، گزینش مربیان تحول‌آفرین اخلاقی نمی‌تواند فقط بر انتقال دانش و تمرین مهارت‌ها متمرکز باشد؛ بلکه باید به پرورش این شیوه بودن یا کیفیات وجودی به عنوان هسته اصلی تربیت مربی توجه کرد.

۲. منش تعاملی مبتنی بر انصاف و همدلی

۲.۱. رعایت حدود عدالت

منش تعاملی مبتنی بر انصاف و همدلی، شامل التزام درونی به عدالت و پرهیز از هرگونه تبعیض است. این منش، خط قرمز اخلاقی مربی به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که حتی روابط عاطفی یا کینه‌های شخصی نیز نباید آن را مخدوش کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۴). در تفسیر این آیه آمده است که دعوت دینی پیامبر ﷺ استنادپذیر نیست و میان نزدیکان و بیگانگان تفاوتی قائل نمی‌شود و هیچ‌گونه سازش‌کاری در اصول عدالت و حق‌مداری را بر نمی‌تابد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۴۶۶). این آیه نشان می‌دهد که پیامبر حتی خویشاوندان مشرک خود را نیز از دعوت به توحید و عدالت مستثنا نمی‌کرد و معیار هدایت را بر پایه حقیقت و عدالت قرار می‌داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۶۷).

همچنین قرآن کریم تأکید می‌کند: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾ (مائده، ۸). در تفسیر این آیه بیان شده است که عدالت باید درباره همه افراد رعایت شود، حتی درباره کسانی که انسان به آنان احساس ناخشنودی یا دشمنی دارد؛ زیرا این احساسات نباید انسان را به ظلم و بی‌عدالتی سوق دهد؛ چرا که خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد و آنان را هدایت نمی‌کند (قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶).



چنین عدالت وجودی، پایه اعتماد در فضای تربیت اخلاقی را شکل می‌دهد و به مربیان اطمینان می‌دهد که در تعامل با مربی همواره با معیاری ثابت، منصفانه و غیر تبعیض آمیز مواجه‌اند. در ادبیات مربی‌گری تحول آفرین نیز بر اهمیت انصاف، احترام متقابل و توجه عادلانه به همه یادگیرندگان تأکید شده است؛ زیرا رابطه مربی‌گری زمانی مؤثر خواهد بود که مربیان احساس کنند با آنان بدون پیش‌داوری و تبعیض رفتار می‌شود. آگیلار بر این نکته تأکید می‌کند که مربی مؤثر باید با رویکردی آگاهانه و مبتنی بر انصاف، شرایطی فراهم آورد که همه یادگیرندگان فرصت برابر برای بیان دیدگاه‌ها، دریافت حمایت و رشد حرفه‌ای داشته باشند؛ امری که اعتماد و همدلی را در رابطه مربی‌گری تقویت می‌کند (Aguilar, 2013, pp. 25-40).

۲.۲. توجه به همسانی با فراگیران

منش تعاملی مبتنی بر انصاف و همدلی، مستلزم توانایی قرار گرفتن در موقعیت مربی و نگرستن از منظر اوست، بی‌آنکه مربی هویت هدایتگر و اخلاقی خود را از دست بدهد. قرآن کریم بر این هم‌ذات‌پنداری طبیعی تأکید می‌کند: در تفسیر آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ (کهف، ۱۱۰) آمده است که واژه «إِنَّمَا»، رسول خدا ﷺ را در بشربودن با دیگر انسان‌ها همسان معرفی می‌کند؛ به این معنا که آن حضرت برای خود امتیاز بشری خاصی ادعا نمی‌کند و در اصل انسان‌بودن با دیگران مشترک است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۵۵۶).

در آیه‌ای دیگر آمده است: ﴿رَسُولًا مِّنْهُمْ﴾ (جمعه، ۲)؛ یعنی خداوند پیامبری را از میان خود مردم برانگیخت. در تفسیر این آیه بیان شده است که پیامبر از جنس مردم و در میان آنان برانگیخته شد تا بتواند با آنان ارتباطی قابل فهم و نزدیک برقرار کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۴۴۵). حکمت این همسانی در آیه‌ای دیگر چنین بیان شده است: ﴿يَلِسَان قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ (ابراهیم، ۴). در توضیح این آیه آمده است که پیامبر باید به زبان قوم



خود سخن بگوید تا پیام رسالت را برای آنان روشن کند و آنان نیز بتوانند آن را به درستی درک کنند و بدین ترتیب، هدف رسالت تحقق یابد (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۱۴۲). این همسانی وجودی، فاصله میان مربی و متربی را کاهش داده و زمینه درک متقابل و ارتباط مؤثر را فراهم می کند. در ادبیات مربی گری تحول آفرین نیز بر اهمیت همدلی و توانایی درک تجربه های یادگیرندگان تأکید شده است. آگیلار بیان می کند که مربی مؤثر با گوش دادن عمیق، توجه به تجربه زیسته فراگیران و تلاش برای فهم دیدگاه آنان، رابطه ای مبتنی بر اعتماد و همدلی ایجاد می کند؛ رابطه ای که در آن یادگیری و تغییر پایدار امکان پذیر می شود (Aguilar, 2018, pp. 60-85).

۳. منش روان شناختی مبتنی بر استقامت

۳.۱. تاب آوری در مواجهه با دشواری ها

منش مبتنی بر استقامت، برخورداری از صبر و پایداری ای است که ریشه در اتکال به منابعی فراتر از توان فردی دارد. این استقامت صرفاً نوعی مقاومت تاکتیکی در برابر فشارها نیست؛ بلکه ثباتی درونی و وجودی است که در ارتباط با خداوند معنا می یابد. قرآن کریم این حقیقت را در دعای حضرت موسی علیه السلام چنین بازگو می کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۵). در تفسیر این آیه آمده است که شرح صدر، دشواری های رسالت را به عاملی برای پویایی و انگیزش تبدیل کرده و آن ها را از باری سنگین به فرصتی برای رشد تبدیل می کند (سید قطب، ۱۹۶۶، ج ۴، ص ۵۲۵). همچنین بیان شده است که موسی علیه السلام از خداوند درخواست کرد تا با عطا سعه صدر، توان تحمل و مدیریت مشکلات رسالت را در او افزایش دهد و مسیر انجام مأموریت الهی را برایش آسان کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۲۰۱).

قرآن کریم در جای دیگر بر الگوی صبر پیامبران بزرگ تأکید کرده و می فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵). همچنین منش حقیقی صبر را



اتکال به خداوند معرفی می‌کند: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل، ۱۲۷). در تفسیر این آیات اشاره شده است که ایمان به امدادهای الهی، سبب گسترش سعه صدر و تقویت روحیه صبر در انسان می‌شود و او را در برابر سختی‌ها استوار می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، صص ۶۰۴-۶۰۵).

از این منظر، تاب‌آوری یکی از مؤلفه‌های اساسی در منش مربی تحول آفرین است؛ زیرا فرایند تربیت و تغییر، اغلب با مقاومت‌ها، شکست‌ها و پیشرفت‌های تدریجی همراه است. در ادبیات مربی‌گری تحول آفرین نیز بر پایداری هیجانی و توانایی حفظ تمرکز بر رشد بلندمدت تأکید شده است. آگیلار اشاره می‌کند که مربی مؤثر باید از ظرفیت تاب‌آوری، خودآگاهی و تنظیم هیجانی برخوردار باشد تا بتواند در مواجهه با چالش‌ها و ناکامی‌های فرایند یادگیری، رابطه حمایتی و امیدبخش خود با فراگیران را حفظ کرده و مسیر رشد را به صورت پایدار دنبال کند (Aguilar, 2018, pp. 60-85).



نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آنچه در چهارچوب آگیلار و بر پایه آیات منتخب قرآن کریم به دست آمد، بیش از آنکه یک الگوی هنجاری و تجویزی برای مربی ارائه کند، بیان‌کننده شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین است. تحلیل سه مؤلفه باور، رفتار و شیوه بودن نشان داد که تربیت تحول‌آفرین یک فرایند لایه‌ای و یکپارچه است که در آن سطوح مختلف به صورت درهم‌تنیده عمل می‌کنند.

در سطح باورها، تحقق تربیت تحول‌آفرین مستلزم ایمان به اختیار و فطرت الهی انسان، پرهیز از تحمیل و سلطه، باور به معناداری ذاتی‌گنش تربیتی و نیز اخلاص در نیت و تقدم تزکیه بر تعلیم است. این لایه بنیادین، جهت‌گیری درونی مربی را شکل می‌دهد و زمینه را برای تأثیرگذاری حقیقی فراهم می‌کند.

در سطح رفتارها نیز تحقق چنین تربیتی به رفتارهای ارتباطی اثربخش، مانند استدلال کارساز و کلام شفاف و رفتارهای مدیریتی همچون پیش‌قدمی عملی، الگوبودگی، ریزنی و استفاده حکیمانه از تشویق و هشدار وابسته است. افزون‌بر این، استمرار در دعوت، صبوری در فرایند تربیت و تنوع‌بخشی هوشمندانه در شیوه‌های تعامل از دیگر شروط مهم تحقق این نوع تربیت به شمار می‌رود.

در والاترین سطح، یعنی شیوه بودن، حضور آرام و اصیل مربی، صبر ساختاریافته، اخلاص و فروتنی، نقشی تعیین‌کننده دارند. این سطح نشان می‌دهد که اثرگذاری تربیتی فقط در گرو گفتار و رفتار نیست؛ بلکه به نوع حضور وجودی مربی نیز وابسته است؛ حضوری که می‌تواند فضای اعتماد، پذیرش و تحول درونی را در مربی پدید آورد.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت تحول‌آفرین نه یک دستورالعمل صرف برای رفتار مربی، بلکه حاصل تحقق مجموعه‌ای از شروط معرفتی، اخلاقی و وجودی است که در تعامل با یکدیگر، امکان شکل‌گیری تحول در مربی را فراهم می‌کند. از این رو،

یافته‌های این پژوهش را باید به‌مثابه تبیین شروط تحقق تربیت تحول‌آفرین در پرتو
چهارچوب آگیلار و آموزه‌های قرآنی تلقی کرد.





فهرست منابع

* قرآن کریم.

- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن* (ج ۴). تهران: انتشارات سخن.
- بهروز، زهرا؛ توسلی، طیه. (۱۳۹۳). تقدم تزکيه بر تعليم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام. در: *مجموعه مقالات همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران* (با موضوع فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی). تهران: انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.
- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید. (۱۴۰۱). *روشن‌شناسی پژوهش کیفی: مدیریت و مطالعات سازمانی* (چاپ هشتم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دانش‌مقدم، میثم؛ آیتی، محسن. (۱۳۹۲). مربی‌گری، شیوه نوین آموزشی برای ایجاد یادگیری خودراهبر. ارائه شده در: همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، بیرجند.
- رحمانی گورجی، محمد؛ شیخ شجاعی، عباس. (۱۳۹۸). نقش مربی در تربیت براساس مبانی ملاصدرا. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۷ (دوره جدید) (۴۵)، صص ۲۳-۵.
- رحمانی، جهانگیر. (۱۳۹۱). *سیری در ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضاداد، علیه. (۱۳۹۸). تبیین الگوی معلم به مثابه مربی قرآن‌محور. *پژوهش دینی*، (۳۹)، صص ۷۷-۹۴.
- <https://doi.org/10.22034/dr.2019.100654>.
- صادقیان، مهری؛ حیدری، محمدحسین؛ نوروزی، رضا علی. (۱۴۰۲). واکاوی الگوی اخلاق و سلوک مربی در قرآن. *مجله تربیت اسلامی*، ۱۸ (۴۳)، صص ۹۹-۱۱۷.
- <https://doi.org/10.22034/ije.2023.394512.1890>.



طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۸). *تفسیر المیزان* (ج ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور* (ج ۴، ۱۰). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۲). *قرآن منشور زندگی*. تهران: احسان.
 قطب، ابراهیم حسین. (۱۹۶۶). *تفسیر فی ظلال القرآن* (مترجم: مصطفی خرم‌دل). تهران: انتشارات احسان.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (ج ۱۰، ۱۵، ۲۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 وحدانی، لیلا؛ صفارحیدری، حجت. (۱۳۹۳). بازنمایی نقش معلم و مربی در تربیت دینی.
 ارائه‌شده در پنجمین همایش ملی *انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران* با عنوان «فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی»، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

Aguilar, F. J. (2013). *The art of coaching: Effective strategies for school transformation*. Jossey-Bass.

Aguilar, F. J. (2018). *Coaching for transformation: Pathways to growth*. Routledge.

Aguilar, E., & Cohen, L. (2021). *Coaching for equity: Conversations that change practice*. Jossey-Bass.

Brown, M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 97(2), pp. 117–134. <https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2005.03.002>.

Kaplan, A. (1943). Content analysis and the theory of signs. *Philosophy and Phenomenological Research*, 4(3), pp. 230–247. <https://doi.org/10.2307/2102898>.